

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: نسرين معروفی
۲۴ اکتوبر ۲۰۲۲

پیش زمینه های جنگ: تورم، بحران بدهی ها و استعمار

بخش آخر



انحصارها، گرسنگی و ورشکستگی دولت ها

گزارش UNCTAD ثابت می کند که حداقل نیمی از تورمی که در سطح جهان وجود دارد، نتیجه عملکرد انحصارات است. این تورم باعث شوری و نابسامانی معیشت می شود که باید باز کشورها را مجبور سازد که به یوغ صندوق بین المللی پول گردن نهند ولی بازی ورشکستگی و بی نوائی کشورها این بار می تواند با شکست روبه رو شود. پیش بینی نرخ رشد که کنفرانس ملل متحد برای تجارت و توسعه UNCTAD برای سال آینده ارائه کرده است هر چند پائین تر از پیش بینی های بانک مرکزی اتحادیه اروپا است ولی اگر واقعاً پیامدهای سیاست تحریم را در نظر بگیریم، حداقل برای اروپا به شکل غیر واقعی مساعد و مطلوب نمایش داده می شود، زیرا ریزش تولید واقعی را دست کم می گیرد. طبیعتاً به این دلیل چون اجازه ندارد تبعات ویرانگر سیاست های آب و هوایی در رابطه با بخش انرژی را مطرح کند. همین طور پیش بینی تورم نیز غیرواقعی است، و طبیعتاً نمی تواند «بدترین» را که احتمالاً تکانه تورمی دیگری را سبب خواهد شد، منظور کند.

در حال حاضر تورم در بین کشورهای در حال توسعه، در ترکیه ۷۰ درصد و در آرژانتین بیش از ۶۰ درصد و بعد نیجریه با ۱۸ درصد از همه کشورهای دیگر بالاتر است. در اینجا نیز قیمت مواد خام است که به رشد تورم دامن می زند. شاخص قیمت مواد خام که از طرف صندوق بین المللی پول تعیین می شود و در واقع مبین میانگین جهانی قیمت کلیه مواد خام است، از سال ۲۰۲۰ تا سال ۲۰۲۲ از ۱۲۰ به ۱۹۰ رسیده است. شاخص قیمت مواد غذایی در طول این

دو سال از ۹۰ به ۱۳۰ رسید (در هردو مورد شاخص قیمت در سال ۲۰۱۶، ۱۰۰ بود). البته این امر به ارزی که این نوع تجارتها با آن صورت می گیرد وابسته است.

و امروز منطقه یورو آنچه را که کشورهای در حال رشد همه ساله تجربه می کنند، تجربه می کند. در حالی که قیمت نفت مرحله ای (در حال حاضر به خاطر پسرفت تولید صنعتی) کاهش می یابد، ولی به طور واقعی افزایش پیدا می کند زیرا این کالا به دالر خرید و فروش می شود و قیمت دالر نسبت به یورو ارتقا یافته است.

«تنها افزایش قیمت مواد غذایی تخمیناً در سال ۲۰۲۲ به علاوه ۹۵ میلیون انسانی که هم اکنون در فقر به سر می برند، ۷۵ میلیون انسان دیگر را به فقر مطلق سوق خواهد داد. (...) اکسفام هشدار می دهد که افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی و استواری شرایط بحران می تواند تعداد مردمی را که در فقر شدید زندگی می کنند، در سال ۲۰۲۲ به ۲۶۳ میلیون نفر ارتقا بخشد.»

سود انحصارات نیروی محرکه اصلی تورم است. «در مقایسه با ۴۰ سال گذشته که میانگین افزایش قیمت ها ۱۱ در صد بود، در بین سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ تخمیناً میانگین افزایش قیمت ها در بخش های غیر مالی ایالات متحده امریکا ۵۴ درصد و ناشی از سطح بالای سود بود. محدودهای معاملاتی دوره ای یک عامل کلیدی بود.» به دیگر سخن، در کلیه بازارهایی که انحصارات غالب حضور دارند، از این امکان استفاده کردند که خیلی ساده قیمت ها را بالا ببرند. این امر تنها شامل ایالات متحده امریکا و یا دیگر کشورهای اصلی غربی نمی شود، بلکه به همین صورت کشورهای در حال رشد را نیز دربر می گیرد که با درد و رنج بیشتری روبه رو هستند.

پیشنهادات UNCTAD بسیار تخیلی است. سیاست ضد تراست، که عملاً به معنای نابودکردن این انحصارات است، افزایش سرمایه گذاری های دولتی، افزایش درآمدهای کاری، دخالت دادن مجدد بانک های مرکزی در سیاست های اقتصادی و یک برتون وود جدید. از نظر سیاسی تحقق هیچ یک از این خواست ها در غرب ممکن نیست. حتی به عکس. گرایش در غرب به طور فزاینده ای به سوی سوداگری است.

«قبل از سال ۲۰۰۲ سهم سوداگران غیرتجاری در بازار برای آپشن های نفتی بالغ بر فقط ۲۰ درصد بود که در سال ۲۰۰۹ تقریباً به ۵۰ درصد رسید. بنابر تخمین های اخیر سهم آنها به ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده است. کلیه شرکت های نفتی بزرگ، بانک های برجسته ایالات متحده امریکا و شرکت های خصوصی تجارت نفت توسط ویتول، ترافیکورا، مرکوریا و گلن کور در تجارت سوداگرانه نفت سهیمند. تبعات سوداگری های لجام گسیخته باعث تزلزل سهمگین قیمت های نفت شده است، که معمولاً قیمت هربشکه نفت خام را ۲۵ تا ۳۰ دالر فراتر از آنچه که اصول بازار نشان می دهد، بالا می برد. و به همین نحو فعالیت های سوداگرانه هج فوندها، بانک های سرمایه گذاری و بنیادهای بازنشستگی قیمت غلات را رو به بالا سوق دادند.»

این سوداگری ها نه شایعه و نه تئوری توطئه است. فاکتورهای مالی به همین صورت تأثیر شدیدی بر روند تکاملی قیمت های مواد خام و همین طور تغییرات واقعی عرضه و تقاضا، در کل طیف مواد خام دارد.

«انستیتوت تحقیقاتی المان ZEF پیدا کرده که سهم بازرگانان غیر تجاری (سوداگران) که موقعیت های طولانی در گندم و ذرت داشتند یکشنبه در اوایل سال ۲۰۲۲، ۵۰ درصد افزایش یافت، وضعیتی که اغلب در ارتباط با افزایش قیمت ها است. گزارش لایت هاوس (یک نهاد غیر دولتی برای روزنامه نگاری تحقیقی) گزارش کرد که سرمایه گذاران در اپریل ۲۰۲۲ قریب ۱،۲ میلیارد در دو بنیاد بزرگ کشاورزی پمپاژ کردند، در مقایسه با فقط ۱۹۷ میلیون در طول تمام سال ۲۰۲۲.»

و یک مشکل دیگر در رابطه با بازار غلات وجود دارد: «IPES-Food گزارش داد که بهترین شناخت‌ها در این مورد که چه مقدار غله در زمان مشخص در هر بخش از کره زمین موجود است را می‌توان بین شرکت‌های خصوصی یافت، به ویژه در بین ABCD تجار غله: ۴ شرکت بزرگ تجارت غله مرکب از آرچردانیلز میدلاندز، بونگه، کارگیل و لوییس درایفوس. از آنجا که این چهار شرکت بین ۷۰ تا ۹۰ درصد تجارت غله در سطح جهان را در اختیار خود دارند، مطابق با آن مطمئناً ذخایرشان انبوه است. و با رشد سودآوری در تجارت مواد خام بدیهی است که آنها ذخایر خود را نگاه خواهند داشت تا قیمت‌ها به اوج خود برسد.»

«در اپریل ۲۰۲۲ از ۱۰ خریدار قراردادهای فیوچر غله، ۷ خریدار شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بنیادهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی و شرکت‌های تجاری دیگر بود که هدفشان از این طریق تأمین خویش نیست بلکه خواستار سود بیشتر ناشی از افزایش قیمت‌ها است.»

بازار مصنوعی گاز و الکتریسته که در اتحادیه اروپا برقرار گردیده است با همین مشکل روبه‌روست. سودآوری در این بازارها نه تنها قیمت عرضه محدود را (که آن‌هم مصنوعی است زیرا ناشی از تصمیمات سیاسی می‌باشد) به مراتب بیشتر از حد بالا می‌برد، زیرا از آنجا که در این بین تأمین‌کنندگان نیز عمدتاً خصوصی‌سازی شده‌اند، دیگر امکان کنترل قیمت‌ها موجود نیست. «کشورهایی که کنترل بر شرکت‌های محلی انرژی و یا شکل‌گیری قیمت مصرف‌کننده نهایی خود را در اختیار داشتند، توانستند تاثیر توزیعی بر تورم محلی را نیز زیر کنترل نگاه دارند.» در نتیجه آزاد سازی یک شمشیر دولبه بود.

ما به طور منظم پیامدهای تکامل اقتصاد را در اتحادیه اروپا، به ویژه آلمان دنبال می‌کنیم. این امر، همراه با افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا به کاهش گام به گام ارزش یورو انجامیده که به نوبه خود به افزایش قیمت واردات انرژی کمک می‌کند و برای ایالات متحده این امکان را پدید می‌آورد که تورم در کشور خود را به اروپا منتقل کند. ولی ضررهای آن برای اروپا نسبت به کشورهایی که بدهی‌های آنها به ارز خارجی و آن هم به دالر است، آنقدر ویرانگر نمی‌باشد.

دو محصولی که قیمت آنها به شدت رشد پیدا می‌کند، یعنی مواد غذایی و مواد انرژی‌زا، در عین حال محصولاتی است که نمی‌توان از خرید آنها صرف‌نظر کرد. مردم بدون مواد غذایی از گرسنگی خواهند مرد. در نتیجه وضعیتی ایجاد شده که در آن کشورهای فقیر مجبور به خرید کالاهایی که قیمت آنها نجومی شده می‌باشند حتی اگر مجبور باشند به وام‌های سنگین‌تری گردن نهند. هم‌زمان با آن ارزش دالر بیشتر می‌شود و از آن طریق بار بدهی‌ها سنگین‌تر می‌گردد. گزارش UNCTAD می‌گوید نتیجه این روند می‌تواند موجی از ورشکستگی کشورها را به دنبال داشته باشد. ولی گزارش اشاره‌ای ندارد که این درست نمونه‌ای است که در دهه ۱۹۸۰ رخ داد و آمریکای لاتین را مجدداً به مستعمره تبدیل کرد.

می‌توان گفت که این یک بازی پوکر خطرناک است و در این رابطه بسته‌های تحریم معنی پیدا می‌کند، زیرا آنها چنین بحران‌های ورشکستگی دولت‌ها در کشورهای در حال رشد را تقویت و ترغیب می‌کند. سیاست آب و هوایی، تورم و تحریم‌ها مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که مبین تلاشی است تا بخش بزرگی از جهان را مجدداً به طور کامل به دامن وابستگی سوق دهد و از انتخاب و اجرای سیاست‌های مستقل جلوگیری کند.

برای کشورهای مربوطه این یک فاجعه خواهد بود. انسان‌هایی که در نقطه‌ای از آسیا و یا آفریقا از گرسنگی جان می‌بازند، طبیعتاً مانند اوکراین به طور چشمگیری در رسانه‌های غربی حضور پیدا نمی‌کنند. ولی موفقیت این‌نوع تلاش‌ها به قیمت جان میلیون‌ها نفر انسان تمام خواهد شد.

گزارش UNCTAD در اشاره‌ای کوتاه نشان می‌دهد که این تحریم‌ها تا چه حد مرکزی و تعیین کننده است: «آزاد سازی ۱۸۰ میلیون بشکه از ذخایر ستراتیژیک نفتی ایالات متحده (که البته با این هدف به اجراء درآمد تا مردم امریکا را آرام سازد. داگمار هن) و همین‌طور آمادگی هندوستان و چین برای قبول صادرات نفتی روسیه، کافی بود تا عرضه نفت در سطح جهان کاهش پیدا نکند.» به سخن دیگر ، اگر ایالات متحده می‌توانست اراده خود را تحمیل کند و چین و هندوستان به تحریم‌ها می‌پیوستند، در آن صورت قیمت نفت باز هم بیشتر افزایش پیدا می‌کرد و پیامدهای آن برای کشورهای در حال رشد وابسته به واردات نفتی، ویران کننده‌تر بود.

خوشبختانه علیه چنین روندی که می‌توان آن را حمله عمومی به جهانی جنوب تعبیر کرد، یک اپوزیسیون آشکار وجود دارد. موفقیت این دستبرد اقتصادی در واقع غنیمتی است که غرب هم‌اکنون در خاک اوکراین برای کسب آن مبارزه می‌کند. تحریم‌ها بخشی از این شبیخون است و روسیه و چین حریفانی محسوب می‌شوند که می‌توانند موفقیت آن را مانع شوند. مسأله برسر بقای روسیه به عنوان یک واحد دولتی و یا جلوگیری از کنترل منابع خام روس توسط اولیگارش‌های غربی نیست. مسأله بر سر بقای میلیون‌ها مردم بی‌شماری است که قربانی بازسازی مجدد عظیم بحران امریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ خواهند شد و نهایتاً مسأله این‌جاست که بشریت از یوغ الیگارش‌های غربی که هرگونه کوششی برای توسعه و تکامل را در نه تنها کشورهای جنوب، بلکه حتی در کشورهای غربی در نطفه خفه می‌کنند، رهانیده شود.

برگرفته از: لینکه تسایتونگ

نویسنده: داگمار هن/ منتشر شده در تاریخ: ۱۲ اکتوبر ۲۰۲۲

برگردان: تارنگاشت عدالت/ دوشنبه، ۲۵ مهر - میزان- ۱۴۰۱